



۲۰۲۴ / ۵ / ۱۰

کاندید اکادمیسین سیستمی

قابل توجه داکتر صاحب کاظم

اغتشاش خوست بخاطر ترک حمایت امان الله خان از قبایل آزاد
با دخالت صریح انگلیس سازمان یافته بود!

پس از تصدیق استقلال افغانستان از سوی انگلیسها، شاه امان الله همواره مردم قبایل آنسوی خط را مورد توجه و مساعدت های مادی و معنوی دولت خویش قرار میداد. در اینجا به اقتباس پیام شاه عنوانی قبایل می پردازم که شاید برای بسیاری از افغانها تازه و ناشنیده مانده باشد.

پیام شاه به قبایل آزاد:

"برادران دلیر، شجاع، باشهامت و با غرور سرحدی من!

جد و جهد های شجاعانه ی که شما در مبارزه با دشمن دین و کشور خود کرده اید، هنوز در خاطره ام زنده اند. سوگند و عهد و پیمان شما برای حفظ آبرو و ننگ تان و عزت کشور تان، که شما آنرا به بهای زندگی خود نجات دادید، تحسین مرا بر می انگیزاند. دلیل اصلی منازعه بین من و جانب دیگر (انگلیس) حل مسأله سرحدات بوده است. بعد از مدت های طولانی ما صلح مؤقتی را برای سه سال عقد نمودیم. آنهم به طوریکه جانب مقابل ناگزیر گردید بالا دستی مرا بپذیرد. من صاف و پوست کنده و واضح برای جانب مقابل روشن ساختم که مردمان ساکن در مناطق سرحدی خویشاوندان همخون من اند و نباید آنان را با هیچ وسیله یی از من جدا کنند و تا زمانی که آنها از رفتار جانب مقابل رضایت نداشته باشند، صلح قابل تصور نخواهد بود. در طول سه سال آینده، دشمن ما باید ثابت کند که آیا میخواهد به طور جدی و صادقانه با من در صلح زندگی کند یا نه؟ اگر دشمن به قول خود وفادار بماند و صادقانه مطالبات مرا انجام دهد، صلح پایدار خواهد بود، در غیر این صورت، ما دوباره جرگه یی را برای اتخاذ تصمیم در باره اقدامات بعدی خود برگزار خواهیم کرد. بنابر این، من از شما خواهش میکنم در طول این سه سال روابط مسالمت آمیزی با دشمن داشته باشید و مناسبات تان با یک دیگر در میان خود تان باید مانند برادر دوستانه باشد. از بارگاه پروردگار رفاه و سعادت شما را استدعا دارم. آرزومندی، مقصد و وظیفه من این است که برای بهبود شرایط زندگی تان بکوشم. برافراشته باد درفش [آزادی] افغانستان" (پروفیسور تیخینوف، نبرد افغانی ستالین، ترجمه آریانفر، ص ۳۷۱)

امان الله خان در تاریخ پنجم نومبر ۱۹۱۹ (که هنوز سه ماه از قرارداد صلح نگذشته بود)، طی مکتوبی به هملتون گرانت، که تازه بحیث کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی هند بریتانوی تعیین شده بود، موضوع سرحد آزاد را مطرح ساخته نوشت که «مسئله سرحد خلیلی مهم و حیاتی بوده مانند خلیج عمیقی بین دوستی دو حکومت ما قرار گرفته، قابل توجه عمیق میباشد. طوریکه شما نیز میدانید، معضله سرحد مشترک واقوام آن مهم و حساس می باشد، اما در حال حاضر اگر حسن نیت و رفاه انسانی در نظر گرفته شود، این معضله آسان و به آسانی حل شده میتواند. لذا باید برای صلح دائمی و پایدار، که تنها

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

آرزوی مردم بزرگ متمدن است، قدمهای ابتدائی برداشته شود.» (زمانی، عبدالرحمن، بازنگری دوره امانی وتوطنه های انگلیس، چاپ ۲۰۱۳، ص ۲۰۲)

داکتر زمانی در کتاب گران سنگ خود (بازنگری دوره امانی وتوطنه های انگلیس) مینویسد که: «بعد از عقد قرارداد صلح که به نفع انگلیس تمام شد، یعنی از جمله سه شرط آزادی افغانستان، محافظه حقوق قبایل سرحد و گرفتن غرامات جنگی، تنها شرط اول آن توسط انگلیس ها قبول شد. مبارزین سرحد جنگهای گوریلائی را ادامه دادند افغانستان به پناهگاه آنها تبدیل شد. دولت افغانستان از آنها حمایت کرد و با تمام مردم سرحد علایق جدی خود را حفظ نمود.» (زمانی، بازنگری دوره امانی وتوطنه های انگلیس، ص ۱۴۵)

داکتر زمانی از قول داکتر سنزل نوید مینگار دکه: «بعد از جنگ استقلال، موضوع وحدت دوباره پشتونها یک امر مهم سیاسی در سطح دولتی شد. امان الله خان که شجاعت خویش را به صفت مرد عمل (خصوصیتی که پشتونها به آن بسیار ارج می نهادند) ثابت ساخته بود، حمایت روحانیون و قبایل قدرتمند ولایت مشرقی را بدست آورد. سنزل نوید می افزاید: «معلوم است که رژیم نمیتوانست موضوع توحید مجدد را بدون براه انداختن جنگ دیگری با انگلیسها، تصفیه کند. یگانه راه این بود که شورش های ضد انگلیسی را در منطقه به صورت پنهانی با تقویت روحی و کمک های مالی تشویق نموده قیام پشتونها را با حرکت وسیع تری، یعنی همبستگی اسلامی یا پان اسلامیزم، مربوط سازد.» (داکتر زمانی، بازنگری دوره امانی وتوطنه های انگلیس، ص ۱۹۸)

دور دوم مذاکرات افغان وانگلیس (۱۷ اپریل تا ۲۴ جون ۱۹۲۰) که به رهبری محمود طرزی، وهنری دابس در میسوری (منصوری) دایر شد. باز هم روی موضوعات مربوط به قبایل سرحدی وقایع ساختن روابط سیاسی بین دو کشور صحبت شد، اما طرفین به موافقت نرسیدند. در راپور هنری دابس از جریان مذاکرات آمده است که: «در روز اول اجلاس به تاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۲۰ محمود طرزی خواهان وضاحت پالیسی انگلیس ها در رابطه با مسئله اقوام سرحد بحیث دومین مسئله مهم مذاکرات شد، و بعد از آن جنرال غلام محمد یکی از اعضای هیئت، ما را متهم ساخت که از آن شرط علی احمدخان در کنفرانس راولپندی چشم پوشی کرده ایم که در آن گفته شده بود که در دوران صلح آزمایشی شش ماهه تلاش حمله بر اقوام سرحدی صورت نخواهد گرفت.» (داکتر زمانی، بازنگری دوره امانی وتوطنه های انگلیس، ص ۱۹۷)

دوره سوم مذاکرات که بعد از رسیدن هیئت انگلیسی بریاست هنری دابس (۱۰ جنوی ۱۹۲۱) در کابل آغاز شد بالاخره در اواخر سال به تاریخ ۲۲ نومبر ۱۹۲۱ به امضای معاهده ای انجامید که استقلال داخلی وخارجی افغانستان را تضمین وزمینة را برای تبادلۀ نمایندگان سیاسی بین کابل ولندن مساعد ساخت. اما این معاهده مشکلات سرحدات آزاد را حل نکرد. هنری دابس نماینده بریتانیا در دور سوم مذاکرات در مکتوب رسمی ضمیمه معاهده برسمیت شناختن استقلال کشور راجع به مصئونیت اقوام سرحدات عنوانی وزیر خارجه به محمود بیگ خان طرزی نوشت که: «چون احوال اقوام سرحدی دو دولتین، سبب اندیشه دولت علیه افغانستان است، دوستدار آن مشفق مهربان را مطلع میداریم که دولت برتانیة خیالات نیک نیتی به تمام اقوام سرحد دارد و به هر طریق نیت دارد که رفتار مروتانه با ایشان میکند، مشروط به اینکه از چپاول ها برخلاف اتباع برتانیة دست بردار شوند. امید است که این مکتوب باعث تسلی و اطمینان آن مشفق مهربان باشد.» (مکتوب مورخ ۲۳ نومبر ۱۹۲۱ مطابق ۳۰ عقرب ۱۲۰۰ شمسی) (داکتر زمانی، بازنگری دوره امانی وتوطنه های انگلیس، ص ۱۹۷-۱۹۸)

زمانی از قول داکتر سنزل نوید مینویسد که «معلوم است که رژیم امانی نمیتوانست موضوع توحید مجدد قبایل را بدون براه انداختن جنگ دیگری با انگلیسها تصفیه کند. یگانه راه این بود که شورشهای

ضد انگلیس را در منطقه به صورت پنهانی با تقویت روحی و کمک های مالی تشویق نموده قیام پشتونها را به حرکت وسیعتری، یعنی همبستگی اسلامی یا پان اسلامیزم، مربوط سازد. (دکتر زمانی، بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس، ص ۱۹۸، بحواله سنزل نوید، واکنش های مذهبی ترجمه دنعمیم مجددی، ۱۳۸۸، ص ۷۳)

زمانی تشریح میکند که انگلیسها از دست آورد بزرگ شان در معاهده صلح با افغانستان، میخواستند اقوام سرحدی بخصوص اقوام ساکن وزیرستان را که در جنگ استقلال تلفات سنگینی بر قوای انگلیسی وارد کرده بودند، مورد حملات شدید قرار داده از افغانستان جدا سازند، دولت امانی برای حمایت همه جانبه از اقوام درگیر در جنگ و ایجاد یک مرکزیت قبایلی در جنوری ۱۹۲۰ حاجی عبدالرزاق خان اندریکی از مبارزین سرسخت و آشتی ناپذیر را به وزیرستان فرستاد، و سیاستاً اعلامیه ای صادر کرد که گویا او با فرزند ۲۱ خود عبدالرحیم از افغانستان فرار کرده است. بگفته جنرال یار محمدخان یکی از شاهدان عینی، حاجی عبدالرزاق خان از طرف جرگه بزرگ قومی لقب رئیس المجاهدین را گرفت و او برای مقابله و مقاومت منظم با انگلیسها از مجاهدین قبایلی غندها، کندک ها و بلوک های منظم و منسجم ساخت که شبیه به تشکیلات یک اردوی منظم دولتی بود. دولت امانی نه تنها فعالیتهای حاجی عبدالرزاق خان را تمویل میکرد بلکه به وی هدایت و مشورت لازم نیز میداد. (دکتر زمانی، بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس، ص ۲۰۳-۲۰۴)

زمانی می افزاید که، امان الله خان در سال ۱۹۲۳ در جلال آباد در زیارت ملا نجم الدین آخندزاده، جرگه بزرگی به شمول نمایندگان سرحدات آزاد تشکیل داد و قضیه سرحد را مطرح کرد و هم از دادن کمک مادی دریغ ننمود. مبارزات سرحد شدت یافت و احتجاج های انگلیسی به آدرس افغانستان شروع شد. در این جرگه بر نکات آتی فیصله بعمل آمد:

۱- اقوام سرحد با افغانها دارای نژاد، دین و عنعنات واحد بوده، هیچ دلیلی وجود ندارد که تحت کنترل بیگانگان باشند.

۲- اگر قلب و یا عضو خلافت جرحت بردارد، ما نمیتوانیم از اقداماتی که برای ما لازم است، خود داری کنیم.

۳- پارس باید ازاد باشد و هیچ دولت خارجی نباید در امور آن طوری مداخله نماید که باه ثبات آنمغایرت داشته باشد.

۴- با همدان علائق تجارتي و سیاسی زیادی موجود است که حالا باید آنرا و فصل نمائیم.

برای رسیدن به تمام این اهداف، ایجاد یک جبهه مشترک تمام افغانها اهمیت اساسی دارد. تمام شرکت کنندگان این جرگه تعهد سپردند که حاضرانند جان های شان را در راه وطن فدا کنند و در راه حفظ درفش های وحدت ملی خواهند کوشید. (دکتر زمانی، بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس، ص ۲۰۰-۲۰۱)

دکتر عبدالرحمن زمانی، دریکی از مقالاتش متذکر شده که پس از جنگ استقلال، قبایل پشتون ۶۰۰ مرتبه بر نیروهای انگلیس در مناطق قبایلی حمله کردند که در اثر این حملات ۳۰۰ تن انگلیس کشته و ۴۰۰ تن زخمی شدند و ۴۳۶ تن انگلیس را اختطاف کردند. همین فشار حملات قبایل بر مواضع انگلیسها بود که آنها توسط ایادی خود شورش خوست را در افغانستان شعله و رساختند.

مطالب فوق بیانگر این حقیقت است که شاه امان الله هیچگاهی از فکرازادی و تامین حقوق مردم قبایل سرحدی فارغ نبود و حتی المقدور با قلم و با قدم و با درم قبایل را کمک میکرد است و انگلیسها دریافته بودند که عامل اصلی حملات قبایل بر قوای انگلیسی، حمایت رژیم امانی است و باید در دسری برای

دولت افغانستان خلق کند تا دست از حمایت قبایل سرحدی بگیرد. از این است که رژیم امانی با وجود آگاهی از توطئه های انگلیس در شورش خوست از ذکر نام انگلیسها خود داری میکرد.

داکتر کاکر، خودکش بیگانه پرور:

اینکه داکتر کاکر میگوید به سندی برخورداره است که دست انگلیس را در اغتشاش خوست نشان بدهد، به نحوی خواسته بگوید که اصلاحات شاه سبب شورش مردم بوده است نه توطئه های انگلیس؛ در حالی که استاد پوپلزائی چنین سندی را بدست میدهد که بی خبری داکتر کاکر راز تاریخ نشان میدهد.

استاد کاکم در پاسخ به باری جهانی، نوشته میکند: «با آنکه در مطبوعات آنوقت کشور بطور واضح از دست داشتن انگلیسها در راه اندازی این شورش به تکرار تذکار رفته و حتی شاه در یکی از بیانیه های خود در لویه جرگه نیز به نقش "دشمنان داخلی و خارجی" اشاره کرده است، اما بعضی از محققین (از جمله مرحوم پوهاند داکتر حسن کاکر) به این نظر اند که هیچ سندی مبنی بر دخالت انگلیسها در اینکار در دست نیست، چنانچه مقامات رسمی در آنوقت عدم دخالت انگلیسها را در قیام تأیید کرده است.

در این ارتباط باید خاطر نشان ساخت که انگلیسها مثل همه کشورهای استعماری در همچو مواقع جدا سعی میکردند که هیچ مدرک و سندی را مبنی بر دخالت خویش در زمینه بدست ندهند تا مبادا موجودیت سند، موجب بی اعتماد شدن شخص مورد نظرشان نزد مردم عوام گردد. لذا فقدان سند معنی عدم مداخله را نمی نمیدهد، واضح است که حکومت و اینکه چرا حکومت افغانستان دخالت انگلیسها را در قیام بعداً تردید کرد، خواست پس از سرکوبی قیام، مناسبات سیاسی خود را با انگلیسها تحت الشعاع آن قضیه قرار ندهد، زیرا پالیسی رژیم امانی در آنوقت داشتن روابط حسنه و عاری از تشنج با انگلیسها بود. هرگاه مداخله انگلیسها در اغتشاش رد شود، این سؤال پیدا می شود که عبدالکریم چگونه به افغانستان آمد، از کدام منبع مصارف فراوان قیام را تدارک کرد و بعد شکست هنگامیکه به هند برگشت، چرا انگلیسها به تقاضای حکومت افغانستان از استرداد او غرض محاکمه به بهانه عدم رویه بالمثل خود داری کردند؟»

داکتر کاکم، افغان جرمن آنلاین، مقاله قابل توجه جهانی صاحب، قسمت سیزدهم)

مرحوم پوپلزائی در آخرین اثر تاریخی خود (سلطنت شاه امان الله و استقلال مجدد افغانستان، جلد دوم) از پروتست وزارت خارجه انگلیس به افغانستان خبر میدهد که بخاطر حمایت دولت افغانستان از تحریکات قبایل سرحدی علیه حکومت هند برتانوی فرستاده شده بود.

پوپلزائی زیر عنوان «اظهارات سرهملتن گرانت عضو وزارت امور خارجه انگلیس راجع به افغانستان» چنین مینویسد: «در برج قوس ۱۳۰۲ ش [نومبر ۱۹۲۳] دولت انگلستان مخالفت شدید خود را به دولت افغانستان مستقل ابراز نمود. در برج مذکور جریده زمیندار بیانات سرهملتن گرانت را که یکی از رجال معروف انگلیس و زمان زیادی زمامدار امور خارجه هند برتانوی بود، مطالب آتی را بدست نشر سپرد:

«در سرحد شمال غربی از دست قاتلین یک وضعیت غیر قابل تحمل ایجاد گردیده است و می باید که در این مسئله اقدام جدی و فوری بعمل آید. مشکلات امیر را بخوبی میدانیم لیکن همجواری تقاضا میکند که بایستی بر این مشکلات فایق آید، و باید بدانند که اگر در ظرف یک هفته اقدام رضایت بخشی ننمود وزیر مختار خود را از کابل احضار خواهیم کرد و مردم افغان را هم واپس میفرستیم. تمام دروازه ها را مسدود کرده و تجارت را قطع خواهیم ساخت. مثل آفت سماوی به علاقه جات افغانستان و اگر ممکن شود الی کابل بذریعه طیارات حمله خواهیم کرد. من تقریباً بیست سال با افغانستان دوست بودم و محاربه با افغانستان را از هر چیز بدتر میدانم ولی وضعیت کنونی غیر قابل تحمل است و ما نباید از شروع محاربه

جدید مخوف گردیم و از اقدام منصفانه خود را بازداشته در سرحد امنیت برقرار نکنیم؟» (پوپلزانی، سلطنت

شاه امان الله و استقلال مجدد افغانستان، جلد ۲، ص ۴۳)

این پروتست مقدمه اغتشاش خوست بسرکردگی ملای لنگ بود. آنهاى که دست انگلیس را در اغتشاش خوست دخیل نمیدانند، ولومتل داکتر کاکر باشد، بنابر سند فوق الذکر پوپلزانی مرتکب اشتباه شده اند. علت اصلی شورش خوست، تحریکات انتقام گیرانه انگلیس از شاه امان الله بود تا دست از حمایت قبایل و آزادی خواهان هند بگیرد.

مرحوم پوپلزانی در ادامه این پروتست از کشف «شب نامه ئی» در کابل خبر میدهد که توسط ملای لنگ بر دیوارهای مسجدیل خستی نصب شده بود. او مینویسد: «ملا عبدالله "مشهور به ملای لنگ" در برج قوس ۱۳۰۲ ش از سمت جنوبی وارد شهر کابل شده و اشتهاری را که بقلم نوشته شده بود در حصه مسجد پل خستی کابل متصل معبر عام در اخفا بدیوار آویخت.» در این ورقه اعتراضات زیادی با عبارات نهایت زشت نسبت به طرز کار روائی سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه نموده بود.

پولیس کوتوالی در همان روز ورقه مذکور را از دیوارها کنده بمقامات امنیتی سپردند و با آنکه این اسرار کشف گردید، مگر عامل آن شناخته نشد تا آنکه در برج جدی سال ۱۳۰۳ ش بعد از دستگیری ملای

لنگ این راز معلوم گردید. (پوپلزانی، همان اثر، ص ۴۴)

پوپلزانی علاوه میکند که، به دنبال کشف شب نامه ملا عبدالله، اخبار سول ایندملتری گزت، در برج جدی سال ۱۳۰۲ ش (جنوری ۱۹۲۴ م) نوشت: «اشخاصی که از افغانستان وارد هندوستان میشوند، اطلاع میدهند که در افغانستان هشت نفری حواله شده اشخاص را جبراً داخل عسکری میسازند. مردم منگل از این حکم سرپیچی نموده حاضر نشدند که داخل عسکری شوند و بمقام مخالفت ایساده اند و حکومت هم در مقابل این سرپیچی آنان چیزی نتوانسته سکوت ورزیده و از این تصمیم مردم منگل روح عسکریت

افغان معلوم میشود که چه اندازه است؟» (پوپلزانی، همان اثر، ص ۴۵)

بدینسان دیده میشود که اغتشاش خوست به تحریک انگلیسها در مقابل کمک ها و حمایت های دولت افغانستان از قبایل سرحدی براه افتاده بود که مدت یک سال دوام کرد و ضربات محکمی بر پیکر اقتصادی و نیروهای دفاعی کشور وارد نمود. **پایان**

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ